نیاز: 64 میلیارد دلار در ده سال

بر اساس هدف‏های بلندمدت کشور،باید تا پایان سال 2014 میلادی در صنعت نفت و گاز 137 میلیارد دلار سرمایه‏گذاری شود.این در حالی است‏ که با توجه به محدودیت منابع داخلی باید حدود 94 میلیارد دلار این رقم از طریق سرمایه‏گذاری‏ خارجی جذب شود.

از سوی دیگر برنامه‏های رسمی وزارت نفت‏ نشان می‏دهد که تولید نفت ایران ازحدود 2/4 میلیون بشکه در روز در سال 2005 باید به 6/5 میلیون‏ بشکه در ده سال آینده افزایش یابد.در این صورت‏ باید سالانه 14 میلیارد دلار سرمایه‏گذاری در بخش‏ نفت و گاز کشور صورت گیرد.

شمار زیادی از کارشناسان معتقدند در آینده نه‏ چندان دور تولید نفت ایران کاهش خواهد یافت. کمبود سرمایه‏های داخلی برای پروژه‏های گران‏ قیمت نفت و گاز و تردید شرکت‏های بزرگ‏ خارجی برای سرمایه‏گذاری در ایران به دلیل مسائل‏ مرتبط با تحریم‏های اقتصادی،گروهی از کارشناسان معتقدند اگر میزان سرمایه‏گذاری در صنایع نفت و گاز ایران همین‏گونه ادامه یابد ظرفیت‏ تولید کشور سالانه 10 درصد کاهش خواهد یافت. هم‏اکنون سالانه حدود 250 هزار بشکه از تولید نفت‏ ایران کاهش می‏یابد.

گزارش‏های منتشر شده از سوی وزارت نفت‏ نشان می‏دهد که 30 درصد سرمایه مورد نیاز برای‏ اجرای برنامه‏های توسعه‏ای در صنایع نفت و گاز از طریق منابع داخلی خصوصی و دولتی تامین‏ می‏شود.

یحیوی،عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای‏ اسلامی می‏گوید:"برای تامین مابقی این سرمایه نیز می‏توان با توجه به تصویب سیاست‏های اصل 44 قانون اساسی تا حدود زیادی به بخش خصوصی و سرمایه‏های مردم اتکا کرد."این در حالی است که‏ برای جذب بقیه سرمایه مورد نیاز در صنعت نفت‏ از طریق منابع خارجی،وزارت نفت نوع جدیدی از قراردادهای بیع متقابل را ارائه کرده است که بر اساس آن‏ها توافق با شرکت سرمایه‏گذار در مورد سقف مبلغ قرارداد برای یک بلوک نفتی به پس از انجام امور مهندسی و نیز پس از مناقصه بلوک نفتی‏ موکول می‏شود.

قراردادهای بیع متقابل به عنوان اصلی‏ترین‏ مکانیزم‏های تامین منابع مالی و اجرای پروژه‏های‏ نفت و گاز،در سال‏های اخیر مطرح بوده‏اند و موجب‏ جذب میلیاردها دلار سرمایه خارجی شده‏اند.

 چالش‏ها و چشم‏اندازهای سرمایه‏گذاری‏ در صنعت نفت از نگاه محسن یحیوی

نیاز: 64 میلیارد دلار در ده سال

بر اساس قراردادهای بیع متقابل شرکت‏های‏ سرمایه‏گذار پس از اجرای قرارداد و از محل فروش‏ فرآورده نهایی،مبلغ قرارداد را دریافت می‏کنند.

از مجموع 67/93 میلیارد دلار حجم سرمایه‏ گذاری خارجی پیش‏بینی شده تا سال 2014،مبلغ‏ 21/28 میلیارد دلار در بخش نفت به صورت‏ قراردادهای بیع متقابل و 79/35 میلیارد دلار نیز در بخش گاز از طریق همین نوع قراردادها و بقیه(68/29 میلیارد دلار)به صورت فاینانس خواهد بود.

به نظر می‏رسد تسهیل در قراردادهای بیع متقابل‏ روشی برای مقابله با تحریم‏های احتمالی و جلوگیری از فرار سرمایه‏گذاران خارجی باشد،اما سید محسن یحیوی می‏گوید:"برای دستیابی به‏ اهداف سند چشم‏انداز در حوزه نفت و گاز تنها به‏ اتکا بر منابع خارجی نمی‏توان امیدوار بود،بلکه‏ باید سرمایه‏های در دست مردم را نیز به کار بگیریم." به عقیده او این سرمایه آن‏قدر چشم‏گیر است که‏ می‏تواند در برخی زمینه‏ها اثرات تحریم‏های‏ احتمالی علیه ایران را خنثی کند.یحیوی تایید می‏کند که قطعنامه شورای امنیت علیه ایران و تحریم‏های‏ احتمالی موجب کاهش سرمایه‏های خارجی مورد نیاز در صنعت نفت شده است،اما با اصلاح شرایط قراردادها و وجود متقاضیان سرمایه‏گذاری برای‏ بازار جذاب نفت ایران جای نگرانی وجود ندارد.

یکی از مضرات این قراردادها برای شرکت‏های‏ خارجی این است که آن‏ها حق ویژه‏ای نسبت به‏ میدان یا بلوک نفتی اکتشاف شده ندارند و پس از بهره‏برداری از یک میدان نفتی باید بر اساس قرارداد محل را ترک کنند.

گروهی معتقدند که مهم‏ترین اشکال قراردادهای‏ بیع متقابل دوره کوتاه این قراردادهاست که باعث‏ می‏شود پیمانکار نتواند هیچ نوع برنامه‏ریزی برای‏ انتقال دانش فنی به داخل کشور انجام دهد و تعهدی‏ درباره صیانت میدان و میزان تولید آن بدهد.در قراردادهای بیع متقابل معمولا پنج سال طول‏ می‏کشد که طرح اجرا شود و با احتساب قیمت‏های‏ فعلی نفت و گاز و پتروشیمی در بازارهای جهانی‏ حدود پنج تا شش سال هم طول می‏کشد تا سود و سرمایه پیمانکار بازپرداخت شود،اما پیمانکار به‏ محض اتمام کار پروژه را تحویل کارفرما می‏دهد و هیچ‏گونه نظارت و مدیریتی در مورد تولید میدان‏ ندارد.با این وجود طبق قراردادهای بیع متقابل به‏ محض آنکه پروژه تکمیل می‏شود باید به شرکت‏ ملی نفت ایران تحویل داده شود و در طول زمان پنج‏ تا شش سالی که سود و سرمایه بازپرداخت می‏شود، پیمانکار فقط هر ماه سهمیه خودش را تحویل می‏گیرد و دخالتی در کار پروژه ندارد.یحیوی به نکته دیگری نیز اشاره می‏کند:"پیمانکار تعهد درازمدت به ما ندارد،در نتیجه جوابگوی میزان تولید آن نیز نیست،در حالی که ما باید تعهدی از پیمانکار بگیریم که میدان را دائما کنترل و نگهداری کند.گاهی هم هر چقدر در یک میدان‏ سرمایه‏گذاری شود باز هم نمی‏توان میزان برداشت را به‏ رقم پیش‏بینی شده اولیه رساند،در آن صورت زیان‏های‏ زیادی برای کشور به وجود می‏آید."

تا کنون بیش از 12 سال است سرمایه‏گذاری‏های‏ زیادی به روش بیع متقابل در کشور اجرا می‏شود،اما به تازگی ایرادهایی به این روش وارد شده که چشم‏انداز اصلاحاتی در این نوع قراردادها را پیش‏رو قرار داده‏ است.

اصل 44 و صنعت نفت

ابلاغ سیاست‏های اصل 44 قانون اساسی،که بر اساس آن وظایف دولت در اداره صنایع بزرگ اقتصادی‏ به بخش خصوصی واگذار می‏شود،و تاکید مجدد مقام معظم رهبری بر تسریع در اجرای این سیاست‏ها نویددهنده تحول در اقتصاد دولتی از ایران است،از سوی دیگر برخی کارشناسان معتقدند امکان حضور بخش خصوصی در صنایع نفت،که بزرگترین بخش‏ اقتصاد ایران است،وجود ندارد.بالا بودن میزان سرمایه‏ گذاری مورد نیاز در صنعت نفت،وابستگی شدید دولت به درآمدهای نفتی و فقدان زیربناهای حقوقی‏ مورد نیاز در این حوزه مشکلی است که بر مشکلات‏ حضور بخش خصوصی در سایر صنایع می‏افزاید،اگر چه گروهی از کارشناسان معتقدند به دلیل حضور و فعالیت سرمایه‏گذاران خارجی در صنایع نفت و گاز زمینه حضور بخش خصوصی در این صنایع بیشتر فراهم است.

یحیوی نیز معتقد است که تنها تفاوت صنایع نفت و گاز برای حضور بخش خصوصی بالا بودن ارقام پروژه‏ هاست.

او به سیاست‏های اصل 44 قانون اساسی اشاره‏ می‏کند:"تاکید رهبر معظم انقلاب بر اجرای سریع‏ سیاست‏های اصل 44 قانون اساسی فرصت مغتنمی‏ برای توسعه صنایع نفت و گاز است،به طوری که‏ می‏توان از این فرصت استفاده کرد و سرمایه‏های‏ بخش خصوصی را به این بخش هدایت کرد."

عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی ادامه‏ باید امنیت لازم برای‏ آنکه بخش خصوصی‏ سرمایه‏های خود را "روکند"ایجاد شود می‏دهد:"به اعتقاد من صنعت نفت هم از سایر صنایع‏ کشور مستثنی نیست یعنی همان مشکلاتی که در سایر بخش‏های اقتصادی برای جذب سرمایه‏ها وجود دارد در این حوزه هم صادق است،با این تفاوت که سرمایه‏ گذاری در این بخش چه در بالادستی و چه در پایین‏دستی‏ گران‏تر است یا ممکن است به سرعت امکان واگذاری‏ نباشد،اما در بلندمدت کاملا ممکن است."

او توضیح می‏دهد:"دولت به جای تکیه بر مدیران‏ معدود دولتی باید به مدیریت بخش خصوصی اعتماد کند و وظیفه خود را در واگذاری سالانه 20 درصد از تصدی‏های دولتی به بخش خصوصی انجام دهد."

یحیوی هشدار می‏دهد:"واگذاری سالانه 20 درصد از اقتصاد دولتی کشور به بخش خصوصی در کلام راحت‏ است،اما اجرای عملی این برنامه کار بسیار بزرگ و مشکلی است که به عزم جدی دولت و مسوولان نیاز دارد."

عضو کمیسیون انرژی مجلس تاکید می‏کند:"البته به‏ دلیل بالا بودن رقم سرمایه‏گذاری‏ها در صنعت نفت و گاز و آماده نبودن زیربناهای لازم برای مشارکت بخش‏ خصوصی در این حوزه به تلاشی مضاعف نیاز است."

این در حالی است که وزیر نفت چندی پیش اعلام کرده‏ بود که کشور برای حفظ تولید و افزایش ظرفیت نفت و پروژه‏های گاز و پتروشیمی به منابع خارجی نیاز دارد و منابع داخلی به تنهایی برای تامین هزینه‏های سنگین‏ پروژه‏های نفتی کافی نیست.به گفته وزیری هامانه‏ مهمترین چالش صنعت نفت در آینده چگونگی جذب‏ سرمایه است.

یحیوی در ادامه می‏گوید:"البته علاوه بر سرمایه‏گذاری‏ خارجی و داخلی ما باید از ظرفیت‏های موجود در حساب ذخیره ارزی هم در بخش نفت و گاز استفاده‏ کنیم.در واقع حساب ذخیره ارزی باید به صورت وام‏ در اختیار پروژه‏های نفت و گاز قرار گیرد."

با این وجود برداشت‏های مکرر از حساب ذخیره‏ ارزی و احتمال کاهش قیمت نفت که موجب می‏شود موجودی حساب ذخیره ارزی کاهش یابد این حساب‏ را به منبعی غیر قابل اتکا برای اجرای برنامه‏های‏ توسعه‏ای در بخش نفت و گاز تبدیل کرده است.

به گفته او میزان سرمایه‏گذاری ایران در مقایسه با کشورهای بزرگ تولیدکننده نفت و گاز در صنایع گاز و پتروشیمی کمتر است،اما در زمینه تولید نفت و اکتشاف میدان‏های نفتی با کشورهای منطقه به جز عربستان قابل رقابت است.

هم‏اکنون سرمایه‏گذاری و برداشت قطر از میدان‏ مشترک گازی با ایران بسیار بیشتر است.عضو کمیسیون‏ انرژی مجلس توضیح می‏دهد:"برنامه‏های توسعه‏ صنایع نفت و گاز ما با چشم‏پوشی از شرایط تحریم از نظر اقتصادی کاملا منطقی بود،اما شرایط جدید سیاسی و بیانیه شورای امنیت علیه ما روند استفاده از منابع خارجی در صنایع نفت و گاز را با پیچیدگی‏هایی‏ رو به رو کرده که امکان رقابت را از ما سلب کرده‏ است."

به گفته یحیوی اگر بتوانیم به هر وسیله ممکن بر اساس‏ برنامه‏های پیش‏بینی شده حرکت کنیم؛در زمینه‏ سرمایه‏گذاری برای اکتشاف و تولید مشکلی نخواهیم‏ داشت،اما مهم این است که با توجه به شرایط موجود چه میزان از برنامه‏ها محقق شود.

او به قانونی اشاره می‏کند که بر اساس آن 5/6 درصد از درآمدهای نفتی به شرکت ملی نفت اختصاص داده‏ می‏شود تا از محل آن سرمایه‏گذاری برای انجام برنامه‏ های خود را تامین کند.

بر اساس این قانون که در سال 1384 تصویب شد 5/6 درصد از قیمت هر بشکه نفت با سقف 28 دلار به‏ شرکت ملی نفت اختصاص می‏یافت تا از محل آن‏ هزینه‏های جاری و هزینه‏های مورد نیاز برای اجرای‏ وظایف خود در برنامه‏های توسعه‏ای را انجام دهد؛به‏ گونه‏ای که اهداف بخش بالادستی صنعت نفت را در زمینه اکتشاف میدان‏های نفتی و تولید نفت بر اساس‏ سقف برنامه‏های توسعه‏ای محقق کند.

یحیوی می‏گوید:"بر اساس آخرین مصوبات‏ کمیسیون تلفیق بودجه 86،پرداخت بخشی از عوارض‏ و مالیات‏های شرکت ملی نفت نیز از سال آینده باید از محل همین 5/6 درصد تامین شود."

به گفته او در صورت تصویب این پیشنهاد در قانون بودجه سال آینده،به جای 5/6 درصد تنها 6 درصد از قیمت فروش نفت به شرکت ملی نفت تعلق می‏گیرد که‏ عوارض و مالیات این شرکت نیز باید از همین محل‏ پرداخت شود.

سرمایه‏های خارجی به ایران می‏آیند؟

بر اساس آمارهای وزارت نفت،حجم قراردادهای‏ در حال اجرا و در حال مذاکره کشور در حوزه نفت و گاز 118 میلیارد دلار برآورد شده است.در همین حال‏ حجم قراردادهای امضا شده در صنعت نفت بیشتر از 57 میلیارد دلار است که نیمی از آن قراردادها در حال‏ اجرا است و مذاکرات برای انجام 61 میلیارد دلار پروژه‏ نفتی دیگر نیز در جریان است.

 از سوی دیگر با وجود آنکه برخی از کارشناسان از کاهش‏ سرمایه‏گذاری‏ها طی دو سال گذشته در صنعت نفت ابراز نگرانی کرده‏اند،وزیر نفت اعلام کرده که در دولت نهم‏ نزدیک به 28 میلیارد دلار قرار در حوزه نفت و گاز امضا شده است.این در حالی است که بر اساس گزارش تحقیق‏ و تفحص مجلس شورای اسلامی از عملکرد وزارت نفت‏ طی سال 1374 تا 1383 بیشتر از 22 قرارداد خارجی در آن‏ها 25 میلیارد دلار بوده است.

با این وجود هنوز بسیاری از کارشناسان معتقدند حوزه‏ نفت و گاز ایران آنقدر جذابیت‏های اقتصادی دارد که‏ همچنان متقاضیان جدی برای سرمایه‏گذاری دارد. طی ده سال آینده‏ باید 64 میلیارد دلار در پروژه‏های‏ نفت و گاز سرمایه‏گذاری شود یحیوی نیز یکی از کارشناسانی است که چنین اعتقادی‏ دارد.او می‏گوید:"به رغم مشکلاتی که به بهانه مسایل‏ هسته‏ای برای اقتصاد ایران ایجاد شده است،ما هنوز سرمایه‏گذاران متقاضی سرمایه‏گذاری در صنعت نفت‏ ایران را داریم و تنها مشکلاتی مرتبط با امور پولی و مالی‏ پروژه‏ها که ناشی از تحریم‏های بانکی است وجود دارد."

او اظهار نگرانی می‏کند که با توجه به شرایط پیچیده‏ فعلی،که امکان جذب سرمایه در بخش نفت و گاز مشکل شده است،کاهش بودجه شرکت ملی نفت‏ موجب می‏شود که اهداف این بخش در برنامه چهارم‏ توسعه محقق نشود."

او تاکید می‏کند که کاهش سرمایه‏گذاری در صنعت‏ نفت با توجه به وابسته بودن اقتصاد ایران به نفت موجب‏ ضررهای غیر قابل جبران اقتصادی و سیاسی در آینده‏ خواهد شد.

یحیوی به سرمایه‏گذاری 64 میلیارد دلاری در بخش‏ نفت طی ده سال گذشته اشاره می‏کند:"در این مدت، برای توسعه میدان‏های نفتی 30 میلیارد دلار،برای‏ تولید،انتقال و پالایش 16 میلیارد دلار و برای توسعه‏ صنعت پتروشیمی 18 میلیارد دلار سرمایه‏گذاری‏ داخلی و خارجی انجام شده است."

به گفته او جمع کل قراردادهای نفت و گاز،بدون‏ احتساب سرمایه‏گذاری‏های در حوزه پتروشیمی،طی‏ ده سال گذشته اندکی بیش از 48 میلیارد دلار است.

یحیوی می‏گوید:"دستیابی به اهداف اعلام شده در اسناد ده ساله کشور الزاماتی دارد که مهمترین آن این‏ است که آیا پیش‏بینی‏های درآمدی در داخل کشور برای‏ توسعه برنامه‏های مربوط به صنعت نفت و گاز محقق‏ می‏شود یا خیر؟و دیگر این که در مورد مدیریت مصرف‏ منابع نفتی چه سیاستهایی اتخاذ می‏شود؟"

او در پاسخ به این دو سوال که آیا بخش خصوصی بدون‏ سرمایه‏گذاری خارجی توانایی انجام پروژه‏های گران‏ قیمت نفت و گاز را دارد می‏گوید:"بر اساس برآوردهای‏ ما در مجلس میزان سرمایه‏های در دست مردم قابل‏ توجه است و از سوی دیگر بخش خصوصی نیز توانایی‏ مالی سرمایه‏گذاری در پروژه‏های نفتی را دارد،اما مشکل‏ در این است که اکنون به دلیل محیط ناامنی که برای سرمایه‏ گذاری وجود دارد بسیاری از سرمایه‏داران در کارهای‏ واسطه‏گری و دلالی فعالیت می‏کنند یا سرمایه‏های‏ خود را به خارج از کشور منتقل می‏کنند."

به گفته یحیوی باید امنیت لازم برای آنکه بخش‏ خصوصی سرمایه‏های خود را"روکند"ایجاد شود.

او می‏گوید:"مدیران ما 28 سال است که به اقتصاد دولتی خو گرفته‏اند و متاسفانه کسب ثروت حتی به‏ صورت مشروع و قانونی نیز به امری ضد ارزش تبدیل‏ شده است،در حالی که سرمایه موجب رونق اقتصادی‏ می‏شود و همین امر در حوزه‏هایی که بیشتر سرمایه‏بر است مانند صنعت نفت نمود بیشتری دارد یعنی سرمایه‏ گذاران حتی اگر سرمایه داشته باشند هم جرات نمی‏ کنند آن را در صنعت گران قیمتی مانند نفت به کار بگیرند."

او توضیح می‏دهد:"بنابراین تحقق برنامه‏های ده ساله‏ صنعت نفت ممکن است،اما به شرطی که شرایط آن‏ فراهم شود و دیدگاه مدیران نظام نسبت به سرمایه‏داران‏ تغییر کند."